

تعریف مختصری از تصرف و آثار آن

۱ - تعریف تصرف

قانونگذار ایران در مواد ۳، ۳۱ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ قانون مدنی از فصل اول در خصوص مالکیت و همچنین در مواد ۷۴۵ تا ۷۵۰ قانون آئین دادرسی مدنی در باب سرور زمان راجع بتصرف بحث کرده ولی در هیچیک از مواد مذکوره تصرف را تعریف نکرده است.

باتوجه بمواد یاد شده فوق میتوان تصرف را چنین تعریف کرد (تصرف عبارتست از استیلاء بالمباشره یا سب الواسطه بر یک مال مادی بقصد اجراء و اعمال حق مالکیت یا حقوق عینی دیگر) تعریف فوق بشرح ذیل تجزیه میشود.

۱- تصرف دارای دو عنصر است. عنصر اول که آنرا در تئوری کلاسیک رومی و در حقوق فرانسه Corpus یعنی ماده تصرف نامند عبارتست از ذوالید بودن و استیلاء داشتن بر شیئی و به تعبیر دیگر خود ماده متصرف فیه را Corpus مینامند. عنصر دوم که آنرا معنوی یا روانی Animus مینامند عبارتست از قصد و اراده مشروع یا ناشروع اجرای حقی در شیئی مورد تصرف.

بدین ترتیب تصرف را نباید با خود حقیکه اعمال متصرفانه ذوالیدکنانف از آنست یکی دانست. تصرف یک وضعیت مادی و یک امر موضوعی است که ممکن است توأم با خود ماهیت حق نباشد بهمین لحاظ عده‌ای از حقوقیین تصرف را تشبیه به قشر حق کرده و خود حق را ماهیت و مغز آن میدانند. معمولاً کسی که متصرف است صاحب حق میباشد ولی همیشه اینطور نیست ممکن است صاحب حق یکی و متصرف در مورد حق دیگری باشد. بعبارت دیگر تصرف یک رابطه عدلی است بین مال و متصرف نه رابطه حقوقی

۲ - تصرف فقط شامل حقوق عینی میشود. در ابتدای امر علماء حقوق رم تصرف را منحصر بمورد مالکیت میکردند در منطق قضائی مضمینی آنان اجرای

عملیات مادی متصرفانه فقط در حق مالکیت متصور بود اما در اواخر که جنبه روانی را در نظر گرفتند تصرف را شامل حقوق عینی دیگر مانند حق انتفاع و حق ارتفاق نیز دانستند زیرا کسیکه صاحب حق انتفاع و یا حق ارتفاق در ملک و مال غیر است و یا لاقلاً چنین ادعائی دارد اقدامات و عملیاتی که کاشف از این حقوق واقعی یا ادعائی خود باشد انجام میدهد همین اندازه از سلطه و استیلاء تصرف است و روسیاق قدیم آنرا شبه تصرف نامیدند. بنابراین امروزه در اطلاق تصرف بموارد اقسام حقوق عینی ظاهراً تردید نیست آنچه باقی میماند حقوق دینی است حق دینی رابطه شخصی و حقوقی بین دو نفر است و فرض تصرف در آن مستقمی است پس تصرف اجرای پکت حق عینی نسبت به مورد حق است.

۳ - تصرف بالمباشره با مع الواسطه . تصرف در صورتی بالمباشره است که خود صاحب حق متصرف مورد آن باشد مانند مالکی که در خانه خود مینشیند تصرف مع الواسطه یا غیر مستقیم یا بعنوان غیر است و یا از قبیل غیر. تصرف بعنوان غیر از تصرفات قائم مقامی حقوقی است مانند تصرفات ولی یا وصی و یا وکیل در اسواول سولی علیهم یا سوکل خود. در مورد ولایت و وصایت تصرف بموجب قانون و در مورد وکالت مبتنی بر قرارداد است. تصرف از قبیل غیر مانند تصرف مستأجرین و مباشرین و خادسین و امثال آنان. تصرفات این قبیل اشخاص متعلق از غیر و از ناحیه مالک اصلی است و بقول پروفیسور کاپیتان (خود مالک است که بتوسط آنان متصرف میباشد).

۲ - آثار تصرف

۱ - تصرف دلیل مالکیت است. این معنی در ماده ۳۵ قانون مدنی ایران ذکر شده و بموجب آن (تصرف بعنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود) این اساس قانونی که بر اساس دو عنصر مادی و معنوی تصرف است بمنظور حمایت از مالک واقعی و رفع مناقشات است زیرا معمولا و علی القاعده متصرف مال و مالک آن نیز میباشد. اساس مذکور از جمله اساراتی است که خلاف آنرا میتوان ثابت نمود اثبات آن بر مدعی خلاف ظاهر تصرف است بنابراین متصرف در این دعوی میتواند محسوب و وضعیت بهتر و سهولتری از خواهان خواهد داشت. به عبارت دیگر متصرف را نفس تصرف کافی است کسیکه مدعی مالکیت است باید دعوا خود را ثابت کند بنابراین تصرفاتی که بعنوان غیر و یا از قبیل غیر است دلیل

مالکیت نیست و از سایر امتیازات تصرف بعنوان مالکیت نیز برخوردار نمیشود. قاعده فوق حکم مندرج در ماده ۳۶ قانون مدنی است. (تصرفی که ثابت شود ناشی از سبب مملکت یا ناقص قانونی نبوده معتبر نخواهد بود) همینطور بموجب ماده ۳۷ قانون مدنی اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است در اینصورت مشارالیه نمیتواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور بتصرف خود استناد کند مگر اینکه ثابت نماید که ملک بناقل صحیح باو منتقل شده است. یعنی اعتراف متصرف فعلی قلب دعوی میکند مالکیت مالک استحصای شده و اقامه دلیل خلاف بعهده متصرف فعلی است.

۲ - حمایت از تصرف. قانونگذار از تصرفات اشخاص بوسیله دعاوی خاصی که غیر از دعوی مالکیت است حمایت میکند علت این حمایت در امر است اول اینکه غالباً تصرف دلیل حقیقت حق و محمول بر صحت است و با حمایت از تصرف از صاحب حق نیز حمایت شده دوم آنکه اختلال تصرف اختلال نظم و آرامش عمومی است علی الخصوص که طرق اثبات حق بر صاحب حقیقی آن همیشه بازاست. ۳ - دعاوی تضمین کننده ظاهر تصرف. دعاوی تضمین کننده ظاهر

تصرف بر سه قسم است دعاوی تصرف عدوانی - دعوی رفع مزاحمت - دعوی عدم ممانعت از حق. در رسیدگی بدعاوی مذکوره دادگاه بقدر تصرف توجه داشته و عنایت با مصلحت مآهیت موضوع ندارد بدون اینکه وارد رسیدگی بدلائل مالکیت نمود فقط در خصوص تصرف عدوانی و ممانعت و مزاحمت تحقیق و رسیدگی میکند. در مورد تصرف دعوائی مورد دعوی را بتصرف متصرف اول میدهد و در مورد مزاحمت حکم بر رفع مزاحمت و در مورد ممانعت حکم بعدم ممانعت صادر میکند و مدعی مالکیت میتواند بعداً در دادگاه صلاحیتدار برای اثبات مالکیت خود اقامه دعوا کند (ماده ۳۳ قانون آئین دادرسی مدنی).